روزنامه شهروند

فرهنگی . اجتماعی . سیاسی . اقتصادی

www.shahrvand-newspaper.ir

صاحب امتیاز: **جمعیت هلال احمر**

مدیر مسئول: **عبدالرسول وصال**

سردبیر: **کسری نوری**

نشانی: تهران ، فلکه دوم صادقیه
ابتدای بزرگراه محمدعلی جناح
کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۰۹۷

کدپستی: ۱۴۸۳۷۷۸۶۱۷

فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰

تلفن: ۷- ۴۴۹۵۶۱۰۱

چاپ: روزتاب

توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز شرق

تلفن امور شهرستان‌ها: ۸۸۹۴۲۹۰۰

فکس: ۸۸۹۴۲۹۱۰

اوقات شرعی:

|اذان صبح ۰۵:۰۹:۱۵|طلوع آفتاب ۰۶:۳۵:۱۶|
|اذان ظهر: ۱۱:۴۸:۱۸|غروب آفتاب: ۱۷:۰۱:۲۰|
|اذان مغرب: ۱۷:۲۰:۲۹|

این شرح بی‌نهایت...

کسی که توبه‌اش را به تأخیر افکند، دین ندارد. **امام علی(ع)**

فتح قریب

خسته‌ام ای یار و ندارم، طبیب
هیچ طبیبی نبود چون حبیب
آه! که بیمار غمت، عرض حال
کرد و نفر مود جوابی، طبیب
یک هوسم هست، که در پای تو
جان بدهم، کوری چشم رقیب
می‌سپرم راه هوایت، به سر
این ادب آن نیست، که داند، ادیب
عاشق مسکین، که غریب است و زار
گر بنوازیش، نباشد غریب
طالب وصل توام، اما چه سود
سعی تو چو سلمان نباشد، نصیب
تا ز در بسته نگردد ملول
«نصر من الله و فتح قریب»

سلمان ساوجی

تقویم تاریخ

گشایش آبراه دریای سرخ

۲۵۳۲ سال پیش، برابر با دهم نوامبر ۵۱۸ پیش از میلاد، کار ساختن آبراه میان دریای سرخ و رود نیل به منظور عبور کشتی‌های ایران از خلیج فارس به مدیترانه تکمیل شد. این روز پس از محاسبات تقویمی به دست آمده است. این آبراه به تصمیم داریوش بزرگ و عمدتا با هدف نظامی ساخته شده بود که باستان‌شناسان و مورخان متفق‌القول آن را از کارهای بزرگ بشر در قرون قدیم اعلام داشته‌اند. خشایارشا نیز بعدها چنین آبراهی را در یونان ساخت. مصر به سال ۵۲۵ پیش از میلاد توسط کمبوجیه پسر و جانشین کوروش بزرگ تصرف شد و تا سال ۴۰۴ پیش از میلاد به مدت ۱۲۱ سال یک ساتراپی ایران بود.

زادروز مُبلغ پروتستانیسم

۵۳۱ سال پیش، برابر با دهم نوامبر ۱۴۸۳ میلادی، مارتین لوتر، کشیش متجدد و مترجم انجیل به زبان آلمانی که یک تجدیدنظرطلب مذهبی بود به دنیا آمد. لوتر یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌ها در تاریخ آیین مسیحیت و از پیشوایان نهضت اصلاحات پروتستانی به شمار می‌رود. از تعداد ۷ اصول عبادتی در کلیسای قرون وسطا فقط دو اصل آن یعنی غسل تعمید و عشای ربانی مورد قبول لوتر قرار گرفت. او معتقد بود که تنها آن دو در کتاب مقدس تأیید شده است.

مرگ مصطفی کمال پاشا

۷۶ سال پیش، برابر با دهم نوامبر ۱۹۳۸ میلادی، مصطفی کمال پاشا (آتاترک) نظامی و دولتمرد و بنیانگذار جمهوری ترکیه در ۵۷ سالگی درگذشت. آتاترک در دهه اول قرن بیستم به همراه گروهی از افسران ترک که ترک‌های جوان نامیده شدند، پایه‌های اصلاحات در ارتش و دولت را به نفع ملی‌گرایی ترک‌ها تثبیت کرد. در پایان جنگ جهانی اول مردم ترکیه از بی‌کفایتی خلیفه محمد ششم و نظام عثمانی به تنگ آمده بودند و آتاترک رهبری خیزش علیه خلافت و امپراتوری عثمانی را برعهده گرفت.

شهرونگ

۷۵۶۲۳ جفت از یاران را چه شد؟

پدرام ابراهیمی
طنزنویس
pedram7@gmail.com

۷۵۶۲۳ طلاق در سال؟ مگر کلا در سال چند ازدواج داریم؟! نکند جدیدا به‌هم خوردن دوستی معمولی را هم جزو طلاق‌ها ثبت می‌کنند؟ یا نکند سازمان آمار مثل دوره قبل دارد بلبلی می‌زند؟ من نمی‌دانم. من کی‌ام؟ شما کی هستید؟ این آمار طلاق این‌جا چه می‌کند؟! برای گرفتن جواب سوال‌هایمان سعی کردیم با مسئول ذیربط گفت‌وگو کنیم ولی متاسفانه روابط‌عمومی ما را وصل کرد به یکی از مسئولان بی‌ربط. ایشان که «مدیر مقصریابی برون‌مرزی برای سوانح و جرایم درون‌مرزی کشور» بودند به ما گفتند: «کلیه گمانه‌زنی‌هایی که درباره مقصر نرخ بالای طلاق در کشور مطرح شده بدون پشتوانه و بی‌مبنی است ولی ما این آقا را ظرف ۴۸ ساعت آینده دستگیر خواهیم کرد. عجالتا شما سرویس‌های جاسوسی و رسانه‌های بیگانه را به‌عنوان مقصر در دست داشته باشید تا دستتان از فرم مطلوب خارج نشود.» دیدم این‌طوری نمی‌شود. گفتم بروم به دادگاه خانواده با تنی چند از قریب‌الطلاقین مصاحبه بگیرم که گزارشمان میدانی باشد و نانمان حلال.

•••

شهرونگ: سلام قربان. میتونم بپرسم علت جدایی‌تون چیه؟ آقا؟ سلام عرض کردم... جناب... برادر... دکتر... یارو...! الو؟! یه دقه اون بیصاحابو بذار کنار، دارم باهات حرف می‌زنم. نخیر مثل این که جواب بده نیست. خانم؟ میشه شما بگید؟ همسرتون که حواسش نیست. خانم؟ خواهر؟ آبجی؟ الو الو من جوجوام! بابا یه کدومتون به من وقع بنهید آخه!

خانم: آقا چی میگی دم گوش من؟ بذار ببینم پرستو چی میگه تو وایبر.

•••

شهرونگ: خانم می‌دونم الان وسط گریه کردن براتون سخته که حرف بزنید ولی میشه بگید برای چی این‌جایید؟

خانم گریان: من زندگیمو با خوشبختی شروع کردم. تا اون بعدازظهر لعنتی... (گریه شدیدتر می‌شود) اون روز بعدازظهر فهمیدم اون یه دروغگوئه. اون یه دزد و قاچاقچیه. فهمیدم یه آدم خشن و بیسواده که مسئولیت سرش نمیشه. یه حیونه...

شهرونگ: کدوم بعدازظهر؟ مگه چی شد؟

خانم گریان: همون بعدازظهر لعنتی که دیدمش. شانس آوردم باهاش ازدواج نکردم.

شهرونگ: پس این‌جا چه کار می‌کنید؟!

خانم گریان: دیدم مصاحبه می‌کنن گفتم بیام صدامو به گوش مسئولان برسونم شاید از صدام خوششون اومد.

شهرونگ: دوست عزیز می‌تونم علت طلاق گرفتنتون رو بپرسم؟

دوست عزیز: نه.

•••

شهرونگ: جناب شما درخواست طلاق دادید یا زوجه؟

جناب: زوجه چیه؟

شهرونگ: خانمتون.

جناب: آهان. با عرض سلام خدمت شما و کلیه دست‌اندرکاران محترم بنده!

شهرونگ: خب میشه بگید چی شد که دیگه ادامه زندگی با ایشون میسر نبود؟

جناب: بنده با کار کردن همسرم در منزل موافق نبودم ولی ایشون حرف گوش نمی‌کرد. دیگه این اواخر مقاومتشون زیاد شد تصمیم گرفتم آخرین ضربه رو محکم‌تر بزنم.

شهرونگ: یعنی ایشون خدمتکار نخواستن؟ خب این مشکل لاینحلی نیست.

جناب: کارت ویزیت نداری؟ طنزنویس خوبی هستی. خدمتکار چیه؟ من می‌گفتم باید بری بیرون منزل کار کنی، قبول نمی‌کرد!

•••

شهرونگ: آقای محترم! از وجناتتون برمیاد که آدم رئوف و روشنی باشید. شما دیگه چرا؟

آقای رئوف‌طور: ما عاشق هم بودیم و هستیم. عشق، میله قفس نیست. عشق واقعی، پر پرواز است. عاشقان برای یکدیگر بهترین‌ها را می‌خواهند. همسر من روزی برای داشتن آشیانه شاد بود و حالا می‌خواهد پرواز کند. من به خاطر عشقی که دارم نمی‌خواهم مانع پرواز کبوترم شوم.

شهرونگ: پارکات کجاس داداش؟

آقای رئوف‌طور: همین بوستان روبه‌روی میدون تره‌بار. ساقیش اسمش اصغره. بگو مازیار منو فرستاده.

•••

شهرونگ: خانم چرا گریه می‌کنید؟

خانم: پدرم نمی‌ذاره جدا بشم. میگه معتاد و عوضی و کتک بزن و بی‌پول بودن که دلیل نمیشه. هر چی میگم بابا! این مرد دیگه تابلو شده. آبرومون رو برده. روم نمیشه از در خونه برم بیرون، میگه اینا دلیل نمیشه، دلیل قانع کننده بیار.

شهرونگ: پس این‌جا چه کار می‌کنید؟

خانم: اومدم ببینم نیکول کیدمن چطوری از تام کروز جدا شد؟!

•••

در پایان پیشنهاد می‌کنیم با یک تعویض تاکتیکی، مسئولان ترویج کتابخوانی را به‌عنوان مروجین طلاق بیندازید به جان خانواده‌ها! دلیلش را خودتان بفهمید. همه چیز را که ما نباید بگوییم!

کارتون شهر

حسن کریم‌زاده | کارتونیست | www.karimzadehstudio.com

حرف روز

هنر نزد ایرانیان است و... مخصوصا دست‌اندرکاران صنعت نوظهور زیرنویس فیلم‌ها!

آتوسا اسکویی | روزنامه‌نگار

اخیرا فیلم هالیوودی (Camp X-Ray) یا «اردوگاه اشعه ایکس» با بازی پیمان معادی را همراه برخی دوستان دیدیم و با اینکه فیلمی کاملا جدی بود، در پایان از خنده منفجر شدیم! می‌پرسید چرا؟ جواب واضح است! دقیقاً بابت جمله شاهکاری که در زیرنویس پایان فیلم آمده بود و ظاهراً تنها برای اثبات این نکته که هنر فقط نزد ماست! (یا حداقل هنر شوخی گرفتن همه چیز!) احتمالاً کنجکاو شده‌اید بدانید جریان چه بود. عجله نکنید، می‌گویم. درست در لحظه‌ای که فیلم تمام می‌شود، یعنی در فاصله میان سیاه شدن تصویر تا بالا آمدن تیتراژ پایانی، جمله‌ای دو خطی روی صفحه تلویزیون نقش بست مبنی بر این که: «امیدواریم از بازی شگفت‌انگیز پیمان معادی لذت برده باشید!» و البته بعد هم اسامی مترجمان و دیگر هیچ. پیش از این نیز چندین و چند بار دیگر در معرض خلاقیت به کار رفته در زیرنویس برخی فیلم‌ها قرار گرفته بودم (و قطعا شما هم تجربه مشابه کم نداشته‌اید) و البته که شاید بتوان استفاده از این زیرنویس‌های غیرتخصصی را تاوان زبان‌ندانی مصرف کنندگان این نوع محصولات فرهنگی به شمار آورد، چه آنکه شاید اگر گذراندن دو ترم کلاس آموزش زبان انگلیسی در کارنامه‌مان دیده می‌شد، امروز خود در مقام زیرنویس کننده مشغول هنرنمایی و هنرپراکنی بودیم! فراگیر شدن استفاده از دی‌وی‌دی فیلم‌های روز دنیا پدیده‌ای مربوط به دهه اخیر است که در چرخه بی‌اعتنایی عمومی به قانون کپی‌رایت، ضمن برآورده‌سازی نیازهای فرهنگی جامعه، در بحث اشتغال‌زایی نیز رده‌های جدید شغلی چون تکثیرکننده، پخش‌کننده، زیرنویس‌کننده و البته تایپ‌کننده زیرنویس را به منصه ظهور رسانده است. با افزایش تقاضا، لاجرم محیط برای عرضه هرچه بیشتر این محصولات مهیاتر شده و نتیجه اینکه تکثیرکنندگان پخش‌کنندگان زیرنویس‌کنندگان (یا همان مترجمین) و تایپیست‌های بیشتری وارد عرصه و کارزار تولید می‌شوند و در این مرحله است که بحث صلاحیت مهم جلوه می‌کند. کپی کردن یه فیلم هالیوودی آن هم در تیراژ میلیونی شاید تخصص چندانی لازم نداشته باشد جز اندکی آشنایی با نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای رایانه‌ای و ایضا در بخش پخش و حتی تایپ هم ناشی‌ترین افراد بعد از مدتی بر کار خود مسلط می‌شوند. اما بحث زیرنویس کمی پیچیده‌تر از این حرف‌هاست و دوستانی که پا در این عرصه گذاشته و می‌گذارند از دید مصرف کننده باید از حداقلی از تسلط به زبان مورد استفاده در فیلم (انگلیسی، آلمانی، اسپانیایی و ...) برخوردار باشند. شرطی که گویا چندان از منظر تولیدکنندگان یا به عبارت بهتر تکثیرکنندگان این محصولات فرهنگی جدی گرفته نمی‌شود. از بحث تسلط هم که بگذریم فوران خلاقیت به ظاهر سرکوب شده این دوستان (زیرنویس‌کننده‌ها) در دوران کودکی و مدرسه و دانشگاه و جامعه و ... را که در قالب هنرنمایی انفرادی و دست بردن در نص دیالوگ‌های یک فیلم ظهور و بروز پیدا می‌کند را کجای دلمان بگذاریم! تصور کنید در حساس‌ترین صحنه یک فیلم که قرار است اوج احساسات و تمنیات حسی مخاطب را به غلیان بیاورد یکی از شخصیت‌ها با چهره‌ای جدی بگوید: «خب بسه دیگه، فردین بازی در نیار!» مثال‌هایی از این دست کم نیستند. جملات و واژه‌هایی که در ابتدا بسیار غافلگیر کننده و گاهی اعجاب‌آور به نظر می‌رسیدند اما در این چند سال اخیر به حدی تکرار شده‌اند که گویی دیگر برای همه عادی شده‌اند. در جامعه‌ای که ارزش «تخصص» در آن به انحای مختلف زیر سوال قرار دارد، صحبت از شیرین‌کاری‌های اینچنینی در زیرنویس چند فیلم و دی‌وی‌دی شاید کمی خنده‌دار به نظر برسد اما قبول کنید که دیگر نمی‌شود تا این حد همه چیز را زیر سبیلی رد کرد. شاید اگر کمی عمیق‌تر به موضوع بیندیشیم، از این همه نیرو و پتانسیل جوانی که بی‌دانش می‌تازند و خواسته یا ناخواسته پایه‌گذار فرهنگی اشتباه می‌شوند غصه‌دار شویم. بدعت‌گذاری‌هایی نظیر این، آفتی است که حتی اگر حالا به چشم نیاید، فردا روزی دودش به چشم همین نسل می‌رود. به خودمان بیاییم و همین امروز دست از هر کاری که در آن تخصص نداریم، برداریم.

داستانه

عروسک چهارم

روزی شاهزاده‌ای که تازه بر تخت سلطنت نشسته بود عارف پیر شهر را احضار کرد و از او پند خواست. استاد پیر دست در توبره کهنه خود برد و ۳ عروسک از آن بیرون آورد. پیرمرد عروسک‌ها را به شاهزاده عرضه کرد و گفت: «بیا، اینان دوستان تو هستند، اوقاتت را با آنها سپری کن.» شاهزاده با تعجب گفت: «من که دختر نیستم با عروسک بازی کنم!» عارف اولین عروسک را برداشته و تکه نخی را از یکی از گوش‌های آن عبور داد که بلافاصله از گوش دیگر خارج شد. سپس دومین عروسک را برداشت و این بار تکه نخ از گوش عروسک داخل و از دهانش خارج شد. او سومین عروسک را امتحان کرد. تکه نخ در حالی که در گوش عروسک پیش می‌رفت، از هیچ یک از دو عضو یاد شده خارج نشد. استاد پیر در این لحظه گفت: «اینان همگی دوستانت هستند، اولی که اصلا به حرفهایت توجهی نداشته، دومی هر سخنی را که از تو شنیده، همه جا بازگو خواهد کرد و سومی دوستی است که همواره بر آنچه شنیده لب فروبسته.» شاهزاده فریادی زد و گفت: «پس بهترین دوستم همین سومی است و من او را مشاور امورات کشورداری خواهم کرد.» عارف پاسخ داد: «نه.» و بلافاصله عروسک چهارم را از کیسه خارج کرد و آن را به شاهزاده داد و گفت: «این دوستی است که باید به دنبالش بگردی.» شاهزاده تکه نخ را گرفت و امتحان کرد. با تعجب دید که نخ همانند عروسک اول از گوش دیگر این عروسک نیز خارج شد. پس گفت: «استاد این که نشد!» عارف پیر پاسخ داد: «حال مجددا امتحان کن.» برای بار دوم تکه نخ از دهان عروسک خارج شد. شاهزاده برای بار سوم نیز امتحان کرد و تکه نخ در داخل عروسک باقی ماند. استاد رو به شاهزاده کرد و گفت: «شخصی شایسته دوستی و مشورت توست که بداند کی حرف بزند، چه موقع به حرفهایت توجهی نکند و کی ساکت بماند.»

فوکوس ...

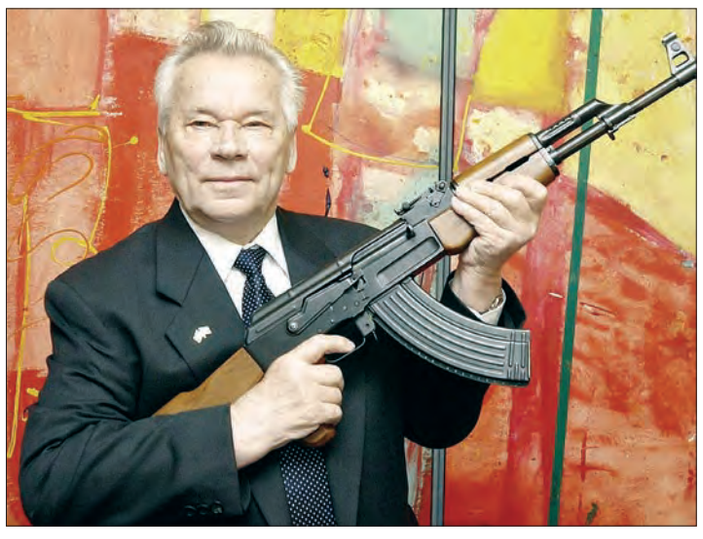

۹۵ سال پیش، برابر با دهم نوامبر ۱۹۱۹ میلادی، ژنرال میخائیل تیموفیویچ کلاشینکف، مخترع روسی سلاح آ.کا.۴۷ موسوم به «کلاشینکف» به دنیا آمد. میخائیل کلاشینکف بیست و اندی ساله بود که اندکی پس از جنگ جهانی دوم اسلحه سبک «AK ۴۷» را ابداع کرد. از آغاز تولید این اسلحه تاکنون بیش از ۱۰۰ میلیون قبضه از آن تولید شده است. کلاشینکف کمی پیش از مرگ (۲۳ دسامبر ۲۰۱۳) از ساخت این سلاح اعلام پشیمانی کرد. او پیش از مرگ، متن ندامت‌نامه خود را به صورت مکتوب به کلیسای ارتدوکس روسیه فرستاد. در این نامه آمده است: «درد درونی من، التیام نمی‌پذیرد و سال‌های زیادی است از خود می‌پرسم اگر سلاح طراحی شده توسط من، جان انسان‌ها را می‌گیرد، ممکن است من هم در این مرگ آفرینی تقصیر داشته باشم حتی اگر کشته‌شدگان دشمن میهنم باشند».

آب و هوا

اراک ۱۵ / ۳	اردبیل ۲ / -۳	ارومیه ۹ / -۴	اصفهان ۱۷ / ۳	اهواز ۳۰ / ۱۳	ایلام ۱۱ / ۲	بجنورد ۵ / -۳
بندرعباس ۲۸ / ۲۰	بوشهر ۲۸ / ۱۹	بیرجند ۱۹ / ۴	تبریز ۷ / -۳	تهران ۱۸ / ۶	خرم‌آباد ۱۷ / ۳	زاهدان ۲۸ / ۱۲
زنجان ۳ / -۳	سنندج ۱۰ / ۲	شهرکرد ۱۴ / -۶	قزوین ۵ / ۲	کرمانشاه ۱۷ / ۴	کرمان ۲۰ / ۱۳	گرگان ۱۲ / ۴
رشت ۹ / ۳	ساری ۱۳ / ۵	کرج ۱۵ / -۴	شیراز ۲۰ / ۵	سمنان ۱۲ / ۷	همدان ۱۳ / ۲	قم ۱۹ / ۷
مشهد ۶ / ۱	یاسوج ۱۵ / ۳	یزد ۲۰ / ۷	ابوموسی ۲۹ / ۲۴			

...هوای تهران در شرایط ناسالم

بررسی داده‌های ماهواره‌های هواشناسی نشان می‌دهد غالب مناطق کشور در هفته جاری جوی نسبتا پایدار خواهند داشت که پیامد آن افزایش آلاینده‌های جوی و کاهش کیفیت هوا در شهرهای صنعتی و بزرگ خواهد بود. بر اساس نقشه‌های پیش‌یابی هواشناسی، امروز در سواحل دریای عمان و شرق خلیج‌فارس و تنگه هرمز وزش باد و دریا مواج پیش‌بینی می‌شود. هوای شهر تهران امروز صاف و در پاره‌ای از نقاط با غبار محلی پیش‌بینی شده است. بیشینه دمای شهر تهران در این روز ۱۸ درجه سانتیگراد و کمینه آن ۶ درجه سانتیگراد پیش‌بینی شده است. هوای شهر تهران روز سه‌شنبه نیز صاف و در پاره‌ای از نقاط همراه با غبار محلی پیش‌بینی شده است. بیشترین دمای هوا در این روز ۱۸ درجه سانتیگراد و کمترین آن به ۶ درجه سانتیگراد می‌رسد. بنا بر اعلام مرکز کنترل و پایش محیط زیست کشور هوای تهران در شرایط ناسالم و ۳ کلان شهر کرج، مشهد و اهواز در شرایط سالم قرار دارد. بر همین اساس توصیه می‌شود افرادی که مبتلا به بیماری‌های قلبی و ریوی هستند و همچنین کودکان فعالیت‌های طولانی و سنگین خارج از منزل را کاهش دهند. در شبانه‌روز گذشته اهواز مرکز استان هرمزگان با بیشینه دمای ۳۰ درجه سانتیگراد گرم‌ترین و شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری با کمینه دمای منفی ۶ درجه سانتیگراد خنک‌ترین شهرهای کشور طی ۲۴ ساعت گذشته بوده‌اند.